برنامه‌هایی مثل «مهلا» و «ملاقات با حسین(ع)» ممکن است اشکالاتی داشته باشند اما مخاطبان عمومی و متفاوتی دارند

برادران آهسته! دایره امام حسینی‌ها کوچک نیست

عاطفه جعفری- مریم فضائلی
گروه فرهنگ

تکلیف برنامه‌هایی مثل «مهلا» و «ملاقات با حسین (ع)» با مخاطبان‌شان مشخص است؛ برنامه‌ای که قرار است نمایشی باشد از شوریدگی و اشتیاق آدم‌ها به امام حسین(ع). همه چیزهایی که برای طراحی این مدل برنامه‌ها، کنار هم چیده شده براساس همین ایده نمایشی است. از قرار گرفتن مجری و رنگ و نور و فضای‌سازی برنامه گرفته تا نسبت میهمانان و طراحی سوالات، همه در یک ارتباط مفهومی با شوریدگی قرار دارند. میهمان‌ها قرار نیست درباره چرایی یا چگونگی اتفاقات ظهر عاشورای سال ۶۱ هجری حرف بزنند. آنها مقابل دوربین و مجری می‌نشینند تا بگویند که چرا واله و شیدای حسین(ع) و یارانش هستند. برنامه‌هایی مثل مهلا به ارتباط میان فردی آدم‌ها با یک مفهوم شورمندانه کار دارد و جنس سوالات از میهمان و همچنین اندازه همراهی و حضور مجری در برنامه هم متناسب با همین نمایش است. لزوما در برنامه‌های این‌چنینی، مجری قرار نیست که با میهمان‌ها یک گفت‌وگوی چالشی داشته باشد و از منظری اختلافی، یک مساله را واکاوی کند. اتفاقا اگر مجری و میهمان خارج از همان زبان مشترک‌شان با هم حرف بزنند، برنامه را به انحراف کشیده‌اند. واضح است که هر کدام از میهمان‌ها عقیده و حرفی برای تحلیل وقایع پیرامونی دارند اما آن تحلیلی به کار این جنس برنامه‌ها می‌آید و به دل مخاطبش می‌نشیند که نسبتی با مفهوم قیام امام حسین(ع) داشته باشد. چنین مختصاتی اگرچه برای افاضات میهمان‌ها محدودیت‌هایی را شکل می‌دهد، اما از طرف دیگر امکانی را فراهم می‌کند تا دایره وسیعی از آدم‌ها با نظرات و دیدگاه‌های متنوع بیایند و در یک موضوع غیر اختلافی حرف بزنند. ماحصل حضور این افراد متنوع در چنین میزانسنی، فارغ از اینکه نمایشی از یک سوگواری است، فرصتی است برای تامل در یک آیین جمعی.

مجری کجاست؟

در یک برنامه گفت‌وگومحور، به جز موضوع و میهمان، حضور یک مجری چه توانمند هم می‌تواند به جذابیت آن برنامه کمک کند. مجری‌ای که بتواند هدایت برنامه را به دست بگیرد و تعامل خوبی با مخاطب و میهمان برقرار کند. انتخاب مجری یکی از نکاتی است که باید با توجه به فضا و حال وهوایی که هر برنامه دارد و متناسب با همان فضا انتخاب شود. مجری اشتباه، برنامه را آن‌طور که باید پیش نمی‌برد و باعث می‌شود یک مشکله به سرانجام خوشایندی نرسد، مخصوصا در برنامه‌های گفت‌وگومحور که مجری و سوالاتی که از میهمان می‌پرسد، سیر گفت‌وگو را مشخص می‌کند. در برنامه‌ها «مهلا» و «ملاقات با حسین» که در دهه اول محرم ۱۴۰۲، پخش و بسیار مورد توجه قرار گرفت، ما حضور و استفاده از مجری را به نوعی متفاوت از همیشه می‌بینیم. مجری‌ها با دقت نظر و ظرافت خاصی انتخاب شده‌اند، از لحن مجری گرفته تا حتی لباس و واکنش‌های مجری به حرف‌های میهمان.

از سال ۱۴۰۰، چهارفصل قبل از برنامه مهلا به وسیله روبیکا، پخش شده و مجری آن مداح امام حسین(ع)، محمد حسین پویانفر بوده است. این انتخاب به قول ایمان قیاسی یکی از تهیه‌کنندگان فصل اول و دوم برنامه مهلا، با رسک بزرگی همراه بود اما درنهایت به اتفاق خوشایندی برای برنامه بدل شود. پویانفر بر خلاف اجراهای مرسوم قرار نیست که با فخر فروشی و جدل با میهمان به جایگاه مجری اعتبار بدهد و بیشتر شنونده صحبت‌های میهمانان است.

این برنامه، با آنکه گفت‌وگومحور است، اما موضوعات و سوالاتی که در آن مطرح می‌شود، رنگ و بویی ساده دارد. به قولی سوالات تخصصی درباره چرایی اتفاق هایی که افتاده، پرسیده نمی‌شود و برعکس، سوالات ساده است و درباره رابطه احساسی و فردی میهمان با امام‌حسین پرسیده می‌شود. قیاسی در مصاحبه‌ای درباره انتخاب پویانفر به‌عنوان مجری، گفته است: «او هیچ ادعایی در زمینه اجرا نداشت و واقعا ریسک بزرگی کرد چراکه امکان داشت کار خوب از آب درنیاید، اما در اجرای برنامه خود خودش بود و احوالات خود را اجرا کرد که همین موضوع از نظر من اجرای ایشان را جذاب کرد. از سوی دیگر مداح بودن محمدحسین پویانفر، آشنایی با فضای محرم و انرژی و احوالات و به برنامه ما کمک کرد و باعث ایجاد فضایی گرم و صمیمی شد.»

«ملاقات با حسین(ع)» با «با حسین (ع) حرف بزن» هم از آن جنس برنامه‌های گفت‌وگومحور است که به ارتباط حسی و عاطفی میهمان با امام‌حسین(ع) کار دارد. در این برنامه هم بنای دیده نشدن مجری تا حدی پیش رفته که اصلا ما مجری را نمی‌بینیم. این برنامه که مانند ۵ فصل دیگر میزانسن و دکوری خاص و نسبتا خلوت دارد، با لوسترهای بزرگ، سنی که پر از گل است و یک میل سفیدرنگ راحتی در وسط سن، جایی که میهمان روبه‌روی دوربین نشسته است و در نقطه اصلی نگاه قرار می‌گیرد. تنهایی میهمان صحنه را به خلوتگاهی تبدیل کرده که همه حواس مخاطب را به خود جلب کند. مجری این برنامه محدامین پرواس است، اما ما به چیزها نشانی از مجری نمی‌بینیم. پرواس سوالات را با لحنی خودمانی می‌پرسد، همین انتخاب لحن و چینش هوشمندانه سوالات باعث شده است که مخاطب با برنامه همراه شود و در انسجام برنامه، قرار گیرد. سوالات دقیق، جزئی و راحت پرسیده و میهمانان هم برای جواب دادن، همان اندازه راحت و بدون استفاده از کلمات ثقیل و جملات خاص جواب می‌دهند. شاید بتوان ویژگی اصلی این برنامه را همین دانست. برنامه‌ای که هر کدام از میهمان‌ها با وجود سوالاتی یکسان و جواب‌هایی متفاوت، توانسته‌اند که حرف دل خیلی‌ها را بزنند و به نوعی هرکدام روضه‌ای ساده بخوانند.

اکسیر گفت‌وگو

اینکه بگوییم احتمالا ایده اولیه این برنامه‌ها از آنجا آمده است که مردم را در برنامه‌هایی با موضوع محرم و امام حسین(ع) ببینیم، حرف گزافی نیست. همین ایده باعث ساخته شدن برنامه‌هایی می‌شود که الان جایش در تلویزیون خالی است. ملاقات با حسین و مهلا از جمله همین برنامه‌ها هستند، برنامه‌هایی که نقطه قوت‌شان گفت‌وگو است. یکی از چیزهایی که الان و در برنامه‌های فعلی به آن احتیاج داریم، گفت‌وگو است؛ چیزی که در این برنامه‌ها وجود دارد. بارها درمورد گفت‌وگو و برنامه‌های گفت‌وگومحور، در این صفحه صحبت کردیم.

واقعه عاشورا موضوعی است که گروغبار زمان و زمین هم روی آن نمی‌نشیند. حافظ هم پیش از این گفته بود: «یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب/ کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است/ غم عشق/ آن هم غم عشقی که شبیه به هیچ غمی نیست و هر قدر از دریایش بردارى، قطره‌اى کم نمى‌شود. حالا این کدام غم عشق است که تقویم‌های فراوانی را پیش پای گذشت زمان‌ها ذبح کرده و از آنچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است. غم عشق آزاده‌ای که حالا آدم‌ها را می‌نشاند روبه‌روی دوربین و دل می‌دهد به حرف‌هایشان. حرف‌هایی که نه از پیش آماده شده‌اند و نه قرار است منفعتی مادی به گوینده‌اش برسد. اسمت؟ مهم نیست. شغلت؟ آن هم اهمیتی ندارد. جنسیت؟ بی‌خیال. زیانت؟ کشورت؟ خانمت کجاست؟ نه، اصلا اینها را نمی‌پرسند برای حرف زدن با عشق. برای گفتن از غم عشق. می‌آیی و می‌نشینی روی صندلی و حرف‌های دلت را با او که دوستش داری می‌زنی. همه حرف‌هایت؟ نه. آنکه زنگ باشد همه حرف‌هایش را می‌زند؟ اشارات نظر، بهتر از این واژه‌های الکن، نمی‌رساند پیام را به گوش جناب عشق. درست است که حدیث ناگفته را هم می‌خواند از بغض‌هایت، از اشک‌هایت، از نگاهت، اما این توبی که دوست داری تمام وقتت را بگذاری برای حرف زدن با او. حرف زدن با عشق. حرف زدن با حسین(ع). دنیای شخصی‌ات را روی دایره می‌ریزی و چیزی برای پنهان کردن نداری و اصلا «عشق است و همین لذت اظهار و دگر هیچ» و عشقت را جار می‌زنی روبه‌روی دوربین و اینجا تنها جایی است که اتفاقا رقیب می‌خواهی. دست رقیب را می‌گیری و می‌بری و نشانش می‌دهی تمام زیبایی را، تمام مظلومیت را، تمام عزت انسان را.

حالا اینکه این عشق را چوری بگویی که همه مخاطب آن را بدبفهمد، مهم است. برنامه سوره و مدل گفت‌وگوی مسعود دیانی، یکی از این مدل برنامه‌ها بود، مطمئنا یکی از کسانی که با شوری محرم گفتیم جایش خالی است، مسعود دیانی است؛ کسی که همه توانش را برای برنامه سوره گذاشت و اگر در میان ما حضور داشت، از چند ماه پیش از محرم سعی می‌کرد برنامه تلویزیونی‌اش را بپرباز کند و از زوایای مختلف به قیام امام‌حسین(ع) بپردازد. او نمونه جذابی از فرم و محتوا را برای یک برنامه مذهبی ساخت که تا قبل از این شاید خیلی کم داشتیم. به موازدی در ساخت برنامه‌هایش توجه می‌کرد که شاید خیلی‌ها آن را نمی‌بینند. او هم به موضوع تسلط داشت و هم گفت‌وگو کردن را بلد بود. نمی‌خواست خودش و اطلاعاتش را به رخ بکشد. پس از ابتلایش به سرطان و طی دوره‌های درمانی، با چهره‌ای تازه رو‌به‌روی دوربین نشست و با وجود بیماری و درد، اجرایی با همان توان قبلی و گاهی بیشتر را جلوی دوربین به نمایش گذاشت. برنامه‌ای که توانست با مخاطب عام هم ارتباط برقرار کند و او را برای یک برنامه تخصصی نگه دارد و درموردش کنجکاو باشد. سال گذشته، شبی که رضا امیرخانی به برنامه سوره آمد جزء برنامه‌های پرمخاطب سوره شد. او جنس میهمان برنامه را می‌شناخت و سعی می‌کرد خارج از موضوع برنامه صحبت نکند و همین باعث می‌شد تا مخاطب تا پایان برنامه در کنار سوره بماند.

گرم بودن تنور گفت‌وگو

یکی دیگر از ویژگی‌های گفت‌وگوها در این مدل برنامه‌ها، گرم بودن آن است که مستقیما به مجری و مدل گفت‌وگوی او برمی‌گردد، به صورت مصداقی در برنامه «ملاقات با حسین(ع)» مدل انتخاب میهمانان و گفت‌وگو با آنها یک ویژگی مشترک دارد؛ وقتی با عوامل برنامه ملاقات با حسین(ع) درمورد این موضوع صحبت کردیم آنها حب حسین را ویژگی و محور اصلی برنامه معرفی کرده و می‌گویند اگر میهمانی دعوت می‌کنیم، دعوت شده که اینجا در برنامه‌ای شرکت کند که به نام امام‌حسین است. در انتخاب میهمان معمولا این‌طور است که در جمع خودمان تصمیم بر این است که ۴۰-۳۰ درصد میهمانان را خودمان انتخاب کنیم یعنی در اطراف خود بگردیم و کسی را که می‌توان روی او برچسبی زد و آدم حسابی است، دعوت کنیم. این آدم حسابی می‌تواند کاسب منصفی باشد، می‌تواند یک روضه‌خوان باحال باشد، می‌تواند یک معلم دلسوز باشد، می‌تواند یک رفتگر زحمتکش باشد. آدمی که وقتی نگاه می‌کنیم یک چیز دارد که شاید یک اپسیلون آن چیزی باشد که حضرت سیدالشهدا داشتند. یکی خیلی مهربان است، یکی خیلی باصفاست، سعی شده بنابر این باشد که آدم‌های دعوت‌شده کسانی باشند که ارتباطی با امام‌حسین(ع) داشته باشند و اینکه ما فیلتر نکنیم که این باید و آن نباید. تنها ویژگی‌ای که همه میهمانان دارند، این است که حب حسین داشته باشند. حتی حب حسینی که زمانم لال فراموش شده یا قدری دور شده هم قبول است. حقانیت امام‌حسین را باور داشته باشد، می‌تواند میهمان ما شود. البته این را در نظر بگیریم که در با حسین مواجهه مستقیم مخاطب با مجری را نداریم، و مجری در این گفت‌وگو پنهان است.

در برنامه مهلا اما گفت‌وگو مصداق بیشتری پیدا می‌کند، سوالات خارج از آن چیزی که میهمان برنامه از آن بی‌خبر باشد، طراحی نشده است و مصداق آن را به‌طور خاص باید در مصاحبه مصطفی راغب و منصوره مصطفی‌زاده یافت؛ خواننده‌ای که عاشق امام حسین است و آنقدر این موضوع برایش مهم است که به گفته خودش از بازخوردها نمی‌ترسد و در برنامه حضور پیدا می‌کند.

از طرف دیگر مصطفی‌زاده به‌عنوان کارشناس و نویسنده حوزه کودک، صحبت‌هایش با توجه به سوالات مجری و تسلطی که او خودش به‌عنوان مجری دارد، تنور برنامه را گرم می‌کند و مخاطب را تا انتهای برنامه با خودش همراه می‌کند.

حضور سلایق مختلف

شاید یکی از ویژگی‌های مثبتی که باید برای این برنامه‌ها عنوان کرد، نگاه به سلایق مختلف است؛ اینکه فقط یک سلیقه خاص دیده نشود. وقتی مسعود دیانی، رضا امیرخانی را به تلویزیون دعوت می‌کند بعد از سال‌ها، یا اینکه در برنامه ملاقات با حسین(ع)، همه مدل دیدگاهی به برنامه دعوت می‌شود و نگاه برنامه‌ساز این است که باید آدم‌های متعددی که در حوزه‌های مختلف مشغول هستند ارتباط گرفته شود و آنها هم احساسات خودشان را در ارتباط با امام‌حسین(ع) و آدمی که می‌شناسند بیان کنند، همین رمز موفقیت برنامه می‌شود؛ اینکه بدانیم امام‌حسین(ع) لزوما حرم و کربلا نیست، روز عاشورا و محرم نیست. امام حسین رفیقی است که باید همه جا باشد، یکی می‌گفت امام حسین برای من رفیقی است که همه‌جا هست به او زنگ می‌زنم و با هم حرف نمی‌زنیم و فقط می‌دانم او پشت‌خط است. پرواس که تهیه‌کننده برنامه «ملاقات با حسین(ع)» است، درمورد فرمی که برای این برنامه در نظر گرفته‌اند، می‌گوید: «برنامه‌هایی از امام‌حسین در ذهن‌مان ایجاد کرده‌ایم که حتما باید در روضه بروم و منبری حرف بزند و سینه بزنم و گریه کنم. اینها خوب است، اما ما یک چیز جدید به اسم خلوت کردن را جلو آوردیم که اگر کسی را دوست دارید می‌توانید با او خلوت کنید. این خلوت کردن به خلوت خدا و پیامبر(ص) برمی‌گردد که وقتی می‌خواهید بخوابید یکی دو دقیقه فکر کنید که چند هستید. ما کاری که دوست داریم و تلاش می‌کنیم انجام دهیم این است که برای همه آدم‌ها، فکر کردن در خلوت اتفاق بیفتد.»

حرف دل به دل می‌نشیند

حرفی که از دل بیاید لاجرم بر دل می‌نشیند. این واقعیت داستان است و مردم این را متوجه می‌شوند؛ برنامه‌هایی مثل مهلا که در فصل چهارم توانسته است مردم را با خودش همراه کند. از همین جنس حرف‌های برآمده از دل است، اینکه در فضای مجازی این همه چرخد بخشی به این برمی‌گردد که فضای جامعه الان این حرف‌ها را می‌طلبد و بخشی هم به این برمی‌گردد که یک نسخه برای به ثمر نشستن کارهایش تلاش می‌کند، خط قرمزها را می‌داند اما با وجود همین برنامه را جوری می‌سازد که مخاطب را با خودش همراه می‌کند و همه اینها می‌تواند برای تلویزیون درسی باشد در برنامه‌سازی که سرمایه‌هایش را به‌راحتی از دست ندهد.

ادامه از صفحه ۱۲

از ظهر عاشورا زینب علمدار است

انسیه خزعلی
معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور در دولت سیزدهم

حرکت امام حسین(ع) و همراهی زینب و اهل بیت(ع) از مهم‌ترین و درس‌آموزترین حرکت‌های انقلابی ماندگار است که شاید در تاریخ مشابه آن را از نظر تاثیر و جاودانگی نتوان یافت.

همراه نمودن خانواده در یک نبرد کاملا مردانه که طرف مقابل نیز به بی‌مبالاتی و عدم تقید به امور ارزشی شناخته شده بود و گروگانگیری‌های عصر معاویه و سبک رفتاری یزید بر کسی پوشیده نبود، پیام‌های زیادی را با خود حمل می‌کند. این همراهی اولا، بیانگر جدیت حسین(ع) در مقاومت و هزینه‌دهی و پذیرش قیمت بالای این امر به دلیل اهمیت آن است. ثانیا، خانواده‌محوری را در یک حرکت بزرگ اجتماعی و نقش‌نگاری و جانمایی برای زنان را در جای‌جای مبارزه بیان می‌کند. ثالثا، نقشه‌راه هوشمندانه حسین(ع) برای استمرار تاریخی حرکت و اهداف بلندمدت ترسیم‌شده حضرت را بیان می‌کند. امری که در برابر همه مخالفت‌ها در مسیر، حضرت به آن اشاره می‌کنند و در مورد ممانعت‌ها از حرکت خود و اصحاب با «شاء الله ان یرانی قتیلا» کلام را مختومه می‌سازد و در برابر اصرار عده‌ای مبنی بر اینکه خانواده در این مسیر همراه نشود با قاطعیت می‌فرماید: «شاء الله ان یراهن سبایا» اشاره‌ای است عمیق و دقیق به وظیفه‌ای که در اسارت به عهده زنان نهاده شده و شاید جز آنان دیگری قدرت بر انجام آن نداشته باشد.

لذاست که مستشرق آلمانی می‌گوید: من از تدبیر حسین و آیندنگری او متعجبم که زنان و کودکان را در این سفر خطرناک با خود همراه می‌کند؛ چراکه آنچه زینب در شام انجام داد به طور کامل اوضاع را دگرگون نمود، به گونه‌ای که شام معروف به سب و لعن علی را به شهری مداح علی بدل کرد که در گوشه و کنارش محافل برای ذکر مظلومیت آنها به پا شد.

با اینکه زینب(س) در مسیر کربلا و در شب و روز عاشورا نیز جهاد تبیین، روشنگری و پشتیبانی را بر عهده دارد و در شب عاشورا نگرانی او در وفاداری اصحاب موجبات اعلام وفاداری و فداکاری و تجدید عهد آنان را رقم می‌زند ولی درخشان‌ترین عرصه‌های حضور و تاثیرگذاری او را پس از حادثه عاشورا شاهدیم و این امر از همان ظهر عاشورا در کنار پیکر شهدا شروع می‌شود که خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌گوید:

«یا مُحَمّداه هذا حُسَینک مُرَمَّلٌ بالدّماء، مُقَطَّعُ الاَعْضاء، وَبَناتُکَ سَبایا یا حُزَناه! یا کَرَباه! اَلْیَوْمَ ماتَ جَدّی رَسُولُ اللّه، یا اَصْحابَ مُحَمّداه! هؤلاء ذُرِّیَّةُ الْمُصْطَفی، یُساقُونَ سَوْقَ السَّبایا، بابی مَنْ اُضْحی، عَسْکَرُهُ فی یَوْمِ الاثنین نَهْباً»

او تلاش می‌کند جامعه غفلت‌زده و غرق در خوشگذرانی و فراموشکار را با تلنگرهای تاریخی به هوش آورد.

۱. تلاش می‌کند آغازین حرکت‌های پیامبر و خدیجه(ع) را در چند جمله یادآوری کند و خطاب به پیامبر، فرزندانش را و اسارت و قتل و غارت‌شان را به نمایش گذارد و خنثی‌سازی تبلیغات دشمن مبنی بر اینکه اینها از دین خروج کرده و بر خلیفه مسلمین شوریده‌اند را پی گیرد.

۲. با ریشه‌یابی حوادث گذشته، این حادثه را نتیجه حق‌کشی‌ها و مظلومیت علی(ع) و اهل بیت در جریان محرومیت آنان از حاکمیت دانسته و به روز دوشنبه‌ای اشاره می‌کند که نخستین پایه گچ برای این روزها و برای حاکمیت مخالفان دین و جریان سکولار دینی در جامعه پدید آورد؛ هنگامی که ولایت و دینمداری را از چشمه اصلی آن یعنی اهل بیت جدا کردند و اجازه دادند انواع بدعت‌ها و تحریفات در دین راه پیدا کند.

آبستن سرخی‌ناب

شیما جوادی
خبرنگار

تاریخ جایگزین یا تاریخ دگرگون، یک نوع ژانر ادبی است. می‌توان این ژانر را زیرشاخه ژانر علمی‌تخیلی دانست. این ژانر را به زبان ساده می‌توان تخیل تاریخ و واقعیت جایگزین یا پاسخ به این سوال محبوب که «چه می‌شد اگر این اتفاق نمی‌افتاد؟» تعریف کرد و برایش مصداق بیرونی آورد. شاید درطول زندگی بارها این سوال را از خودمان پرسیده باشیم، اما گاهی تنها شامل زندگی شخصی خود یا اطرافیان مان نمی‌شود. در بعد وسیع‌تر و عمیق‌تر این سوال آن نگاهی است که به اتفاقات تاریخی داریم. اینکه اگر فلان اتفاق تاریخ‌ساز در یک کشور نمی‌افتاد یا اتفاق دیگری جایگزینش می‌شد، سرنوشت دنیا و آن کشور چطور می‌شد؟ برخی تنها ذائنه‌ای در ذهن شان با این سوال کلنجار می‌روند، اما برای برخی این سوال تبدیل می‌شود به مهم‌ترین بحث سیاسی و فلسفی روزمره‌شان. دسته سوم اما این سوال را در قالب داستان، نمایشنامه و فیلم برای ما روایت کرده‌اند و پاسخ تخیلی ذهن‌شان را برای ما به تصویر کشیده‌اند و به نوعی به آن جان بخشیده‌اند.

در ادبیات داستانی معاصر ایران درست مثل سایر ژانرها، این ژانر هم مهجور است و کمتر نویسنده‌ای شجاعت پرداختن به آن را داشته است. نویسنده از یک طرف می‌ترسد مخاطب به خاطر واژه کتاب‌های ترجمه‌ای در بازار تمایلی به خواندن نوعی وطنی این گونه ادبیات را نداشته باشد و از طرفی قالب آثاری که در زمینه ادبیات ژانر منتشر می‌شود، به خاطر کمی دانش و اشراف ساختاری به این گونه ژانرها و عدم تحقیق جامع و کامل نویسنده در این زمینه بیشتر بر داشتی سطحی و ابتدایی از فیلم‌ها و محصولات غربی و هالیوودی هستند. اما در بازار نشر، نشر کتابستان در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به ادبیات ژانر داشته و به‌طور جدی به آن پرداخته است. یکی از این کتاب‌ها که توسط این نشر به بازار عرضه شده است کتاب «دست جنگ- یورش سرد» نوشته مسعود آذرباد است که در قالب ژانر تاریخ دگرگون در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. رمان «دست جنگ» رمانی در سه جلد است. آذرباد در این مجموعه سرانجام یخ‌بندان و تاریک تاریخ ایران زمین رفته است. کتاب با آغاز یورش چنگیز و پسرش به سرزمین ایران شروع می‌شود. همان طور که همگی کوموبیش درمورد این واقعه خوانده و می‌دانیم، به خاطر بی‌تدبیری حکومت خوارزمشاهیان، دخالت و خودسری اطرافیان پادشاه، مغولان برای سال‌های متمادی خاک این سرزمین را به رنگ سرخ خون مردمش رنگین کرده بودند. سال‌های تلخی که هیچ‌وقت آثار زیانبارش از صفحه تاریخ این سرزمین پاک نمی‌شود.

قهرمان رمان، بندام‌تین فرزند شاه خوارزمشاه، جلال‌الدین است. در این کتاب نویسنده می‌خواهد در قالب ژانر تاریخ دگرگون تاریخی دیگر برای ما رقم بزند و سعی کرده داستانی بکر و خواندنی برایمان روایت کند. فضای داستان برعکس اکثر داستان‌های تاریخی که معمولا در فضاسازی ضعیف هستند، با قلم جرئی نگر نویسنده و توصیفات ملموس و درست از معماری، فرهنگ، گویش و زبان آن زمانه به درستی پرداخته و ساخته شده است.

این جزئی‌نگری و توصیفات پرجزئیات و دقیق باعث نشده داستان صرفا تبدیل به یک اثر تاریخی توصیفی خشک و دقیق از دوره تاریخی خاص باشد، بلکه طرح منسجم و پرداخت خوب ایده داستان، آشنایی نویسنده به روایت و جذابیت‌های آن ما را با فضای داستانی‌ای گرم و خواندنی مواجه کرده است. شخصیت‌های تاریخی رمان به درستی در چهارچوب داستان و فضای تاریخی آن درماتیزه شده‌اند. قهرمان داستان چنان سهل و ممتنع طراحی و شکل گرفته که خواننده می‌تواند صفه‌ها و قوه‌هایش را درون این شخصیت به‌خوبی ببیند. آمال و آرزوهایی که از انسان امروزی هم دور نیست. قهرمان دردها، زخم‌ها و عقده‌هایی به جان دارد که برای انسان امروزی ناشناخته نیست و خواننده خود نیز با آنها در زندگی مدرنش دست‌وپنجه نرم می‌کند.

نویسنده در روایت داستانش سعی کرده تا می‌تواند از فرم فاصله بگیرد و به داستان و داستان‌پردازی نزدیک‌تر شود، اما این بدان معنا نیست که داستان با وجود ژانر بودن از ادبیات و معنا هم خالی باشد. نه، حرکت قلم نویسند برای روایت داستانش بین فرم و محتوا و داستان درست مثل حرکت روی شمشیر دوبله تیزی است که کوچک‌ترین حرکت اشتباه برای داستان در حکم مرگ تمام می‌شود. نویسنده در این کتاب، تعادل حرکت بین مفرم و داستان را تا به انتهای رمانش به‌خوبی حفظ کرده است. داستان سرتاسر کشش و کشمکش است. در هیچ‌یک از فصل‌ها لحظه‌ای از کشمکش درونی و بیرونی داستان و قهرمانش کم نمی‌شود. شروع هر فصلی همراه با یک ضرباهنگ نرم و کوچک است و پایانش ایجاد گره‌ای تازه که باعث می‌شود فصول داستان را بی‌وقفه و بی‌تنفس بخوانیم. این میزان کشمکش در یک داستان تاریخی حتی اگر داستان تاریخی‌ای باشد که در گونه‌ای دیگر از ژانر رقم می‌خورد، بسیار تازه و بکر است و در اکثر کارهای ژانر به‌ندرت دیده می‌شود. اکثر این رمان‌ها در اواسط داستان دچار افت می‌شوند و این افت باعث تعلل و مکث خواننده در خوانش رمان، اما کتاب «دست جنگ- یورش سرد» این گونه نیست. این کتاب با اینکه در بستر تاریخ کهن شکل می‌گیرد، تاریخی که شاید مخاطبش تنها به اندازه یک پاراگراف در یک کتاب درسی از آن در خاطرش مانده باشد. تاریخی که ذاتا درامانیزه نیست و به خودی خودی خشک است، با وجود این درونمایه پرکشش و مفهوم عمیقی که در پس کلیت ژانر نهفته، باعث شده است درهای از جذابیت و خوشخوان بودن این کتاب کاسته نشود.

قهرمان و شخصیت‌های اصلی و مکمل این رمان درست مثل مهره‌های شطرنج به‌درستی کنار هم چیده شده‌اند. اکثر این شخصیت‌ها با وجود اینکه پیشینه واقعی تاریخی دارند، به‌درستی با خیال و تصویر و درام پرداخت شده و جان گرفته‌اند. ما از مرگ، اسارت، پیروزی و شکست‌شان غمگین و شاد می‌شویم. از بلاهت و حماقت و سرسختی‌شان حرص می‌خوریم و نگران عاقبت‌شان هستیم. رمان «دست جنگ- یورش سرد» از آن دسته رمان‌هایی است که بعد از خواندنش تا مدت‌ها ذهن و خیال را درگیر خودش می‌کند. شاید نام داستان و موضوع تاریخی که به آن پرداخته است سرشار از سردی و جنگ و خونریزی باشد، اما گرمای دلنشینی در کلمه‌به‌کلمه داستان در جریان است. روایت داستان این مردان و زنان تاریخی حسی عمیق و گرم را در وجودت رقم می‌کند و شوقی عجیب در درونت حس می‌کنی. این نشان می‌دهد تاریخ این مرز و بوم؛ چه تاریخ معاصرش و چه کهن و باستانش سرتاسر درام و ماجراست. همان طور که در واقعیت حوادث تلخ و عجیبی برای مردم سرزمینش داشته است. نویسنده از داشته و پتانسیل درونی این تاریخ به‌خوبی استفاده کرده و کلمه‌ای را هدر نداده است.

برعکس آنچه در بازار نشر اریان تصور می‌شود ژانر تاریخ دگرگون صرفا آثاری ایرانقهرمانی یا مخصوص مخاطب نوجوان است به یا به‌خاطر فضاهای سرد و جنگی تنها مخاطبی اندک و خاص دارد، این رمان نشان می‌دهد اگر ابعاد واقعی یک ژانر را خوب بشناسی، به تاریخ و فضای آن آگاه باشی و تحقیقی درست و کامل انجام داده باشی، ساختار و فرم را همراه روایت گرم داستان بشناسی، می‌توانی اثر خلق کنی که هر مخاطبی با هر سلیقه‌ای جذب آن شود. رمان «دست جنگ- یورش سرد» با زمزمه‌هایی عجیب از شروع یک اتفاق بزرگ آغاز می‌شود. زمزمه‌هایی که درون قهرمانش را مشوش و زندگی سرخوشانه او را آرام‌آرام آبستن حوادث بزرگی می‌کند. داستان و قهرمانش گرچه تا پایان این داستان همراه این نطفه شوم جلو می‌روند و به پختگی ظاهری می‌رسند، اما همچنان داستان و قهرمانش آبستن خروشی هستند عظیم که تنها قرار نیست، قرار قهرمان داستان را به هم بریزد، که قرار است ایران‌زمینی را مشوش کند و به مبارزه بطلبد.

چارسو

آریا عظیمی‌نژاد مجری برنامه محرمی می‌شود

محمدرضا خوشرو، مدیر شبکه نسیم در گفت‌وگو با مهر درباره رویکردهای این شبکه در ایام محرم و اقبال نسبت به برنامه‌های جدید محرمی بیان کرد: «برنامه «از سرگذشت» نتیجه سه تا چهار ماه بررسی اتاق فکر و هیات اندیشه‌ورز در شبکه بوده است. تلاش این بود که بردنی را برای مناسبت‌ها داشته باشیم چون در سال‌های گذشته در شبکه نسیم و در مناسبت‌های عزا برنامه خاصی نداشتیم و عمدتا برنامه «با حسین حرف بزن» پخش می‌شد و آثار دیگری هم البته در کنارش به‌صورت تولیدی و تامینی روی آنتن می‌رفت.»

وی همچنین به یک برنامه جدید اشاره و عنوان کرد: «مجلس واقعه برنامه جدیدی است که از ماه صفر روی آنتن می‌رود و آریا عظیمی‌نژاد اجرای آن را برعهده دارد. مجلس واقعه یک برنامه گفت‌وگویی نمایشی است و در هر قسمت یک مجلس تعزیه تلویزیونی در برنامه برپا می‌شود. این برنامه این روزها درحال ضبط است و آریا عظیمی‌نژاد اجرا و روایت‌گری آن را برعهده دارد. هر قسمت هم یک موسیقی عاشورایی ویژه دارد و برای هر قسمت قطعه‌ای ویژه تولید می‌شود.»

خوشرو درباره انتخاب آریا عظیمی‌نژاد به‌عنوان مجری برنامه گفت: «ایده اولیه از خود آریا عظیمی‌نژاد بوده است و این روایت یک آهنگساز است از مجالس تعزیه و به همین دلیل هم خوش‌راوی و مجری برنامه است. تعزیه یکی از مولفه‌های فرهنگی آیینی کشور است اما نسل جدید با آن آشنایی ندارد و به همین دلیل سراغ آن رفتیم.»

مراسم جوایز امی به دلیل اعتصاب بازیگران و نویسندگان عقب افتاد

به نقل از هالیوود ریپورتر، به‌طور رسمی اعلام شد مراسم جوایز امی ۲۰۲۳ در تاریخ معمول خود در سپتامبر برگزار نمی‌شود زیرا بازیگران و نویسندگان در اعتصاب هستند. هفتادوپنجمین دوره جوایز سالانه امی قرار بود ۱۸ سپتامبر از شبکه فاکس پخش شود اما منابع نزدیک به برنامه تایید می‌کنند هنوز تاریخ و ماه دیگری در نظر گرفته نشده است. باید گفت تا زمانی که انجمن بازیگران و نویسندگان آمریکا با اتحاد تهیه‌کنندگان فیلم و تلویزیون به توافق نرسند این مراسم برگزار نمی‌شود؛ اما گفته می‌شود آکادمی تلویزیون و شبکه فاکس که پخش مراسم سال ۲۰۲۳ را برعهده دارد درحال مذاکره هستند که زمانی برای برگزاری برنامه انتخاب کنند. اگر آکادمی تلویزیون و فاکس که به تاریخ ۱۸ سپتامبر پایبند می‌مانند، تقریبا باید در مراسمی خالی از برندگان برنامه را اجرا می‌کردند زیرا ۱۶ جایزه از ۲۵ جایزه امی ۲۰۲۲ به بازیگران یا نویسندگان اهدا شده بود. قوانین اعتصاب انجمن بازیگران از اعضای خود خواسته است برای برنامه‌هایی که توسط استودیوها ساخته شده فعالیت تبلیغاتی نداشته باشند و برنامه اهدای جوایز هم شامل آن می‌شود. از سوی دیگر نویسندگان خالق مطالبی هستند که میزبان و مجریان مراسم که تقریبا به‌طور قطع از اعضای انجمن بازیگران هستند، بیان می‌کنند. این تعویق جوایز امی برای نخستین بار در بیش از ۳ دهه رخ می‌دهد. آکادمی تلویزیون و شبکه CBS مراسم سال ۲۰۰۱ را در پی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر عقب انداختند و مراسم اوایل نوامبر همان سال پخش شد.

بودجه عشق کوفی با مختارنامه قابل قیاس نیست